عوامل عزت و ذلت

از دیدگاه قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

عوامل عزت و ذلت از دیدگاه قرآن کریم (احادیث و روایات)

نویسنده:

روابط عمومی نمایندگی ولی فقیه در ساحفاسا

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عوامل عزت و ذلت از دیدگاه قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸

عنوان و نام پدیدآور:عوامل عزت و ذلت از دیدگاه قرآن کریم / معاونت روابط عمومی و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در ساحفاسا

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع : معارف قرآنی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

خطوط برجسته و طلایی تاریخ ملتها متعلق به کسانی است که با حریت و آزادی زندگی گرده و عزت و شرافت خو را بر هر مال و منالی ترجیح داده اند ، کسانی که از جان و مال و مقام و خاندان گذشته اند اما تن به ذلت نداده اند ، افتخار هر ملتی نیز به وجود چنین آزاد مردان است .

ادیان الهی که انسان را خلیفه خدا و در روی زمین می دانند ارزش والایی برای مقام را انسان قائل هستند بخصوص دین مقدس اسلام که بالاترین ارج را برای مقام انسان واقعی منظور داشته است .

و لقد کرمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر (۱)

و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم . . . .

یعنی این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش او قرار دادیم . کرامت و عزت و بزرگواری جزئی از سرشت انسان است . این است که اگر انسان خود را آنچنان که هست بیابد کرامت و عزت را می یابد . (۲)

اسلام انسان مومن را عزیزتر از هر موجودی به شمار آورده .

امام کاظم علیه السلام فرمود :

. . . المومن اغز من الکبریت الاحمر . . . (۳)

. . . مومن گرامی تر از یاقوت سرخ است . . .

امام صادق علیه السلام فرمود :

المومن اعظم حرمه من الکعبه (۴)

احترام مومن از کعبه بیشتر است .

و به هیچ وجه به مومن اجازه نمی دهد که خود را پست و با ذلت جلوه دهد و شرافت انسانی خود را پایمال کند .

امام صادق علیه السلام فرمود :

ان الله فوض الی المومن کل شی ء الا اذلاله نفسه (۵)

همانا خداوند هر امری را به مومن تفویض کرده اما ذلیل کردن نفس خود را به او اجازه نداده است .

امام علی علیه السلام فرمود :

اکرم نفسک کل دنیه . . . (۶)

نفس خویش را از هر کار پستی برتر و بالاتر بدار . . .

امام صادق علیه السلام فرمود :

. . . و لا تکن واهنا یحقرك من عرفك . . . (۷)

. . . و شل و سست مباش که هر که تو را ببیند تحقیر کند . . .

و از طرف دیگر توصیه و سفارش اکید به حفظ عزت و کرامت .

امام کاظم علیه السلام فرمود :

ان اعظم الناس قدرا من لایری الدنیا لنفسه خطرا (۸)

از همه مردم بلند مرتبه تر و عظیم القدرتر آن کسی است که اگر تمام دنیا را یك طرف بگذارند او خودش و عزت و نفسش را بر تمام دنیا مقدم می دارد .

یعنی حاضر نیست شرافت و کرامت خود را در مقابل این که تمام نعمتهای دنیا را به او بدهند لکه دار کند . در این زمینه روایات فراوان است که

در بخشهای بعد به برخی از آنها اشاره خواهد شد .

حفظ شرافت و عزت نفس برای همه لازم است ، اما برای برخی از اصناف مردم لازمتر است که در راس آنها نظامیان و حافظان مرز و بوم و آیین قرار دارند ، چرا که عزت آنان ، عزت ملت و شرف و مجد آنان ، مجد و عظمت دین و آیین است .

فالجنود باذن الله حصون الرعیه و زین الولاه و عز الدین . . . (۹)

علل و عوامل عزت

علل و عوامل عزت

در سخنان پیشوایان عزت ، مطالبی بسیار درباره علل و عوامل عزت وارد شده است ، (۱۰) عواملی که در سایه آنها می توان فرد را در چارچوب سیره نبوی تربیت کرد ، عواملی که با تدارک آنها فرد عزیز و در نتیجه نفوذناپذیر ، محکم ، راسخ و شکست ناپذیر می شود . اکنون به مهمترین این علل اشاره می شود .

اطاعت خدا

هیچ چیز چون بندگی و اطاعت از خدا آدمی را عزت نمی بخشد از پیام آور عزت روایت شده است که فرمود :

ان ربکم یقول کل یوم : انا العزیز فمن اراد عز الدارین فلیطع العزیز (۱۱)

خداوند هر روز ندا می دهد که من پروردگار عزیز شمایم ، و هر که خواهان عزت دو جهان است ، خدای عزیز را اطاعت کند .

اطاعت خدا ذره ناچیز و حقیر را به بی نهایت عزیز و قوی مرتبط می کند و از او موجودی سرافراز می سازد .

از امیر مومنان علیه السلام وارد شده است :

اذا طلبت العز فاطلبه بالطاعه (۱۲)

هرگاه خواهان عزت شدی ، آن را در اطاعت و فرمانبرداری خدای بجوی .

انسان خواهان عزت ، باید آن را از خدا و به سبب اطاعت او بخواهد که پیام آور عزت صلی الله علیه و آله به ابو امامه فرمود :

یا ابا امامه ! اعز امر الله ، یعزک الله (۱۳)

ای ابوامامه ، امر خدا را عزیز بدار تا خداوند تو را عزت بخشد .

عزیز داشتن امر خدا در اطاعت و فرمانبرداری اوست که کلید عزت یابی است و هیچ چیز چون آن راهگشا به

این کمال نیست .

از امیرمومنان علیه السلام وارد شده است :

لا عز الا بالطاعه (۱۴)

هیچ عزتی نیست مگر به سبب اطاعت و فرمانبرداری (خدای) .

مادام که این رابطه میان مخلوق و خالق هستی وجود دارد ، و انسان در مدار اطاعت حق است ، عزت نیز هست و چون از این عهد الهی خارج شود ، جز ذلتی خفت بار بهره ای نخواهد داشت .

تقوای الهی

تقوای الهی پوششی است که آدمی را مصون و محکم و استوار می سازد و او را از آسیب و سستی و ناراستی حفظ می کند .

راغب اصفهانی می نویسد : تقوا از وقایه است و وقایه به معنای حفظ و نگهداری چیزی است از هر چه که به (محافظ) قرار دادن از آنچه بیم می رود (بدان آسیب و زیان رساند) . (۱۵)

پیامبر عزت فرموده است :

من اراد ان یکون ان اعز الناس فلیتق الله (۱۶)

هر که می خواهد که با عزت ترین مردمان باشد ، پس تقوای الهی پیشه کند .

تقوای الهی در ارجمندی آدمی چنان نقش آفرین است که از امیر مومنان علیه السلام وارد شده است که فرمود :

لا عز اعز من التقوی (۱۷)

هیچ عزتی عزت بخش تر از تقوا نیست .

تقوا سرافرازی می آورد و پرده دری سرافکندگی ، تقوا راه می نماید و خودخواهی به گمراهی می کشاند تقوا ارجمند می کند و گناه خوار می سازد ، تقوا آزاد می کند و نافرمانی به اسارت در می آورد ، تقوا استوار می سازد و نفسانیت فرو می پاشد ، و چه نیکو فرموده

است امیر بیان علی علیه السلام :

التقوی تعز ، الفجور تذل (۱۸)

تقوا عزت می بخشد و تبهکاری ذلیل می سازد .

بنابراین نسبتی مستقیم و رابطه ای تنگاتنگ میان تقوا و عزت وجود دارد و هر چه بر آن افزوده شود ، این فزونی می یابد . تقوای الهی از چنان جایگاهی در عزت بخشی برخوردار است که پیشوای پرهیزگاران ، علی علیه السلام درباره اش فرمود :

لاکرم اعز من التقوی (۱۹)

هیچ کرامتی چون تقوا ، انسان را عزیزترین نمی سازد .

انقطاع

به میزانی که انسان به خدا تکیه می کند و از غیر خدا گسسته می شود ، به همان میزان عزت می یابد . زیرا عزت مختص اوست و جز با گسستن از غیر خدا به دست نمی آید . در خبری مشهور آمده است که جبرئیل امین خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و چنین گفت :

یا محمد ! عش ما شئت فانک میت و احبب من شئت فانک مفارقه ، و اعمل ما شئت فانک مجزی به ، و اعلم ان شرک الرجل قیامه باللیل ، و عزه استغناوه عن الناس (۲۰)

ای محمد ! هر چه می خواهی زندگی کن ، اما مردم است ، هر که را می خواهی دوست بدار ، اما جدایی است ، هر چه می خواهی بکن ، اما جزای آن را خواهی دید ، و بدان که شرافت انسان در شب زنده داری است و عزت او در بی نیازی از مردم .

این آموزش انقطاع و عزت یافتن در سیره نبوی است . ارجمندی و بزرگی حقیقی

در سایه گسستن از غیر خدا به دست می آید .

لقمان حکیم فرزند خود را به انقطاع و قطع طمع می خواند و در این جهت تربیت می کند :

پسرم . . . اگر خواهان آنی که همه عزت این جهانی را داشته باشی ، از آنچه در دست مردم است قطع طمع کن که پیامبران و راستکرداران به آنچه دست یافتند ، منحصرا به سبب قطع طمعشان بود .

اوصیای پیامبر که جلوه های کامل عزت الهی در مدرسه پیامبرند به سبب انقطاع کاملشان به کمال عزت رسیدند ، و از همین روست که در دعای شعبانیه امیر مومنان علیه السلام که بنابر نقل ابن خالویه همه اوصیای پیامبر آن را می خوانده اند . (۲۱)

چنین آمده است :

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک (۲۲)

خدای من ، مرا انقطاع کامل به سوی خود عطا فرما .

اولیای خدا از خود گسستند و به خدا پیوستند و به عزت رسیدند و شکست ناپذیر شدند . این سنت خداست که هر کس طمع خویش بمیراند ، به عزت دست یابد و عزتش پایدار ماند . از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود :

اطلب بقاء العز باماته الطمع (۲۳)

ماندگاری عزت را با میراندن طمع بخواه .

تربیت نبوی به انقطاع می خواند تا آدمی را از اسارت برهاند و به کمال برساند . زیرا زندگی توام با آزادگی و عزت جز با انقطاع طمع فراهم نمی شود که پیشوای آزادگان ، علی علیه السلام فرموده است

من اراد ان یعیش حرا ایام حیاته فلا یسکن الطمع قلبه (۲۴)

هر کس خواهان

آن اس که در دوران زندگی خویش آزادانه زیست کند ، هرگز طمع را در دل خویش جایگزین نسازد .

ایمان

ایمان به خداوند و اعتقاد به وجود خالق و مدبر دانا و توانای جهان ، بالاترین مجد و شرف را برای انسان به ارمغان می آورد و در سر لوحه تمام مجدها و بزرگواری های انسان قرار دارد .

من کان یرید العزه فلله العزه جمیعا (۲۵)

لله العزه و لرسوله و للمومنین (۲۶)

امام صادق علیه السلام فرمود :

فالمومن یکون عزیزا و لایکون ذلیلا (۲۷)

مومن عزیز است و هرگز ذلیل نمی شود .

جهاد

جهاد در راه خدا باعث سرکوبی دشمنان انسانیت و موجب سرافرازی اسلام و عزت آیین است . تنها وسیله ای که پیروان حق برای نزدیکی به خداوند بدان دست می یازند ، ایمان به خداوند و فرستاده او و جهاد در راه او ، که بالاترین مرتبه عزت در اسلام است :

و الجهاد فی سبیله فانه ذروه الاسلام (۲۸)

و خداوند متعال جهاد را برای عزت اسلام قرار داده است :

و (افرض الله) الجهاد عزا للاسلام (۲۹)

و در حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است :

ذروه الاسلام الجهاد فی سبیل الله لایناله الا افضلهم (۳۰)

رفیعترین چشم انداز اسلام ، جهاد در راه خداست که جز بهترین مسلمانها به آن دست نیابند .

و در سخنی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله :

. . . ان الله تبارک و تعالی اعز امتی بسنابک خیلها و مراکز رماحها (۳۱)

همانا خداوند تبارک و تعالی امتم را به سم ستوران و نوک نیزه ها و سنان ها عزیز و گرامی داشته است

جهاد و پیکار در راه خدا نه تنها عزت برای

کسانی است که در آن شرکت می کنند بلکه برای نسلهای آینده نیز موجب عزت و شرافت است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

اغزوا تورثوا ابنائکم مجدا (۳۲)

پیکار کنید تا برای فرزندانتان مجد و بزرگواری میراث گذارید .

امیر مومنان و سرور مجاهدان در وصف جهاد می فرماید :

بعد از اعتقاد به اسلام ، اشرف اعمال جهاد است که موجب قوام و استواری دین است و اجر عظیم دارد و در عین حال با عزت و مناعت همراه است . . . (۳۳)

قرآن و اهل بیت

قرآن ، کتاب محکم الهی و اهل بیت عصمت و طهارت دو مشعل فروزان هدایتند که تمسک به هر دوی آنها و پیروی از دستوراتشان موجب سعادت و ترک آنها یا یکی از این دو موجب گمراهی و ضلالت است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی . . . (۳۴)

روشن است که راه یافته و سیر کننده در صراط مستقیم عزیز است و آنکه از مسیر سعادت منحرف و گمراه گشته ، ذلیل است .

امیرالمؤ منین علیه السلام درباره قرآن می فرماید :

ثم انزل علیه الکتاب نورا . . . و عزا لاتهزم انصاره و حقا لا تخذل اعوانه . . . (۳۵)

پس قرآن را بر او فرستاد ، نوری که چراغ آن فرو نمیرد . . . و عزتی است که یارنش را شکست و ناپایداری نباشد و حقی که یاورانش را زیان و خواری نباشد .

امام صادق علیه السلام نیز در مورد اهل بیت و تبعیت از

ایشان می فرماید :

معنا رایه الحق ، من تبعها لحق و من تاخر عنها غرق ، الاوبنا یدرک تره کل مومن و بنا تخلع ربقه الذل عن اعناقکم و . . . (۳۶)

پرچم حق با ماست ، هر کس از آن پیروی کند به او می رسد و هر کسی عقب بماند غرق می شود ، همانا به وسیله ما خونبهای هر مومنی (که به ناحق کشته شد) گرفته می شود و به وسیله ما ، طوق ذلت از گردنهای شما برداشته می شود .

امیرالمؤ منین علیه السلام در این مورد می فرماید :

بنا اهتدیتم الظلماء و بنا تسنمتم العلیا (۳۷)

به وسیله ما راه یافتید در تاریکی و به وسیله ما بالا رفته و بر مرتبه بلند رسیدید .

اتحاد و اتفاق

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم عزت و شرافت ملتها و اجتماعات ، همدلی ، هماهنگی و وحدت کلمه بین افراد آن جامعه می باشد .

سخنان امیر مومنان علیه السلام در نهج البلاغه ، نکات بسیار ارزنده ای را در این مورد آشکار می سازد ، از جمله در مورد عزت و نیرومندی عرب و جهت اسلام و اتحادشان می فرماید :

و العرب الیوم ، و ان کانوا قلیلا ، فهم کثیرون بالاسلام عزیزون بالاجتماع (۳۸)

و عرب امروز اگر چه در شما اندکند اما با یکدلی و یک سخنی در اسلام عزیزند و بسیار .

و درباره امتهای گذشته و سرنوشت آنها در حال اتحاد و اتفاق می فرماید :

پس بنگرید آنگاه که گروهها فراهم بودند و همگان راه یک آرزو می پیمودند چگونه می آسودند و دلها راست

بود و باهم ساز وار و دستها یکدیگر را مددکار ، شمشیرها بر یاری هم آخته و دیده ها به یکسو دوخته و اراده ها در پی یک چیز تاخته . آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان فرمانروایی نمی نمودند ! ؟

پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید چون میانشان جدایی افتاد . . . (۳۹)

کمالات روحی و صفات کمالی

کمالات روحی و صفات کمالی

کمالات روحی و صفات کمالی از جمله عللی است که نقش ایجاد و حفظ عزت را دارد ، مادام که انسان متصف به این کمالات است ، عزیز است ، و با کمرنگ شدن این صفات و روحیات عزت نیز کمرنگ می شود .

از جمله این صفات و کمالات می توان به موارد زیر اشاره کرد : (۴۰)

انصاف

پاس داشتن عدل و داد و رعایت حق مردمان و با آنان به راستی رفتار کردن ، (۴۱) از جمله اموری است که عزت آدمی را پایدار می کند و افزون می سازد . از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که گفت : امیر مومنان علیه السلام در ضمن سختی فرمود :

الا انه من ینصف الناس من نفسه لم یزده الله الا عزا (۴۲)

بدانید هر که از خود به مردم انصاف دهد ، خداوند جز عزتش نیفزاید .

قیام به حق و گرفتن حق

مادام که انسان برای حق برخیزد و در برپایی حق بکوشد در عزت خداست و خداوند از هر که اقامه حق و داد کند خواری ببرد و لباس ارجمندی و بزرگی بر تنش کند . از امام عسکری علیه السلام چنین نقل شده است :

ما ترک الحق عزیز الا ذل ، و لا اخذ به ذلیل الا عز (۴۳)

هیچ عزیزی حق وانهاد مگر آنکه خوار شد ، و هیچ خواری اقامه حق نکرد مگر آنکه عزیز شد .

در گذشتن در عین قدرت و بخشش و پیوند

بزرگواری و گذشت و بخشش از جمله اموری است که عزت آفرین است و هر چه این کلمات در انسان افزون شود بر عزتش افزون می شود . پیامبر بزرگوار و ارجمند اسلام فرموده است :

علیکم بالعفو ، فان العفو لا یزید العبد الا عزا ، فتعافوا یعزکم الله (۴۴)

بر شما باد به گذشت که گذشت کردن جز بر عزت بنده نمی افزاید ، پس از یکدیگر در گذرید تا خدا شما را عزیز کند .

همچنین شیخ طوسی (ره) به اسناد خود

روایت کرده است که آن حضرت فرمود :

من عفا عن مظلمه ابدله الله بها عزا فی الدنیا و الاخره (۴۵)

آن که از ستمی گذشت کند ، خداوند در عوض آن به او عزت دنیا و آخرت بخشد .

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود :

ثلاث لایزید الله بهن المرء المسلم الاعزا : الصفح عمن ظلمه ، و اعطاء من حرمه ، و الصله لمن قطعه (۴۶)

سه چیز است که خداوند به وسیله آنها جز عزت انسان مسلمان را نیفزیاد : گذشت از کسی که به او ستم روا داشته ، و بخشیدن آن که او را محروم ساخته ، و پیوند با آن که از او بریده است .

فرو خوردن خشم

آن که بر وجود خود قاهر است و خشم خود را فرو می خورد به عزت الهی نایل می شود . از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود :

ما من عبد کظم غیظا الا زاده الله عزوجل عزا فی الدنیا و الاخره : و قد قال الله عزوجل : (و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین) و اثابه الله مکان غیظه ذلک (۴۷)

هیچ بنده ای خشمی را فرو نخورد ، مگر آنکه خدای عزوجل عزت او را در دنیا و آخرت بیفزاید؛ و همانا خدای عزوجل فرموده است : و آنان که فروخوردگان خشم و در گذرندگان از مردمند ، و خدا نیکوکاران را دوست دارد . و خدا به جای فرو خوردن خشمش او را چنین پاداش می دهد .

صبر و استقامت

صبر و استقامت از مهمترین علل به وجود آورنده و پایدارنده عزت است . صبر در برابر گناه ، صبر در طاعت خدا ، صبر در مصیبتها و صبر در برابر مال و مقام و خود را حفظ کردن آدمی را محکم و استوار می کند .

صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی همچو صبر آدم ندید (۴۸)

امام صادق علیه السلام فرموده است :

من صبر علی مصیبه زاده الله عزوجل عزا علی عزه (۴۹)

هر که به مصیبتی شکیبایی ورزد ، خدای عزوجل عزت بر عزتش بیفزاید .

شجاعت

شجاعت از کمالاتی است که آدمی را استوار می سازد و عزتش را نگه می دارد چنانکه در سخنان علی علیه السلام وارد شده است :

الشجاعه احد العزین (۵۰)

شجاعت یکی از دو عزت

است .

شجاعت چنان عزت آفرین است که خود برابر با تمام عزتهای دیگر است ؛(۵۱) و نمی گذارد آدمی تن به خواری و پستی دهد که علی علیه السلام فرموده است :

الشجاعه عز حاضر (۵۲)

شجاعت عزتی است مهیا و آماده .

قناعت

قناعت و گسستن خود از فزون طلبی ، آدمی را عزت می بخشد زیرا زیاده خواهی و هوس بی حاصل است که آدمی را در دامن حسرت و خواری فرو می برد و چون ریشه این درخت زده شود ، سربلندی و عزت به بار آید . در سخنان نورانی امیرمومنان علیه السلام وارد شده است .

القناعه تودی الی العز (۵۳)

قناعت به سوی عزت می کشاند .

ثمره القناعه العز (۵۴)

میوه قناعت عزت است .

اقنع تعز (۵۵)

قناعت کن ، عزیز باش .

القناعه عز (۵۶)

قناعت عزت است .

خردمند هرگز از قناعت دست نمی کشد و تن به خواری نمی سپارد .

عزت ز قناعت است و خواری طمع

با عزت خود بساز و خواری مطلب (۵۷)

برائت از بدی و شر

انسان به میزانی که از بدی و شر پاک می شود و از آن دوری و بیزاری می جوید به بزرگی و ارجمندی می رسد؛ وارهیدن از آن ، پیوستن به این را می آورد .

امام صادق علیه السلام فرمود :

من بری من الشر نال العز (۵۸)

هر که از شر و بدی برائت جوید به عزت دست یابد .

علم و حلم

لاشرف کالعلم و لا عز کالحلم . . . (۵۹)

هیچ شرف چون دانایی و هیچ عزت چون بردبار بودن نیست . . .

صبر و تحمل

امیرالمؤ منین علیه السلام نتیجه صبر و تحمل امتهای گذشته را چنین بیان می فرماید :

. . . تا خدا دید چگونه در راه دوستی او بر آزار شکیبایند ، و چسان از بیم او ناخوشایند را تحمل می نمایند ، از تنگناهای بلا گشایشی برایشان پدید آورد . و از پس خواری ، ارجمند شان فرمود و آرامش را جایگزین بیم کرد . پس پادشاهان حکمران شدند و پیشوایان با فر و شان و کرامت خدا درباره شان تا بدانجا رسید که دیده آرزو نهایت آن را ندید . . . (۶۰)

حسن خلق

امیرالمؤ منین علیه السلام فرمود :

علیکم بمکارم الاخلاق فانها رفعه و ایاکم و الاخلاق الدنیه فانها تضع الشریف و تهدم المجد (۶۱)

بر شما باد به اخلاق نیکو چرا که موجب رفعت و بلندی است و بپرهیزید از اخلاق پست . زیرا شخصی بزرگ را پست می کند و مجد و عزت را نابود می سازد .

تواضع

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

التواضع لایزید العبد الا رفعه فتواضعوا یرفعکم الله (۶۲)

فروتنی جز بر رفعت و بلندی مقام بنده نمی افزاید پس تواضع پیشه کنید تا خداوند مقام شما را بالا برد .

اطاعت از رهبران عادل

و طاعه ولاه العدل تمام العز (۶۳)

و فرمانبرداری از والیان عادل نهایت عزت است .

صدق

امیرالمؤ منین علیه السلام فرمود :

الصدق عز (۶۴)

راستی عزت است .

الصادق علی شفا منجاه و کرامه . . . (۶۵)

راستگو بر کنگره های رستگاری و بزرگواری است . . .

موجبات ذلت

موجبات ذلت

با دقت در آنچه گذشت ، اموری که موجب ذلت و خواری انسان است ، معلوم می گردد ، زیرا عمل نکردن و سازگار نبودن با موجبات عزت ، سبب ذلت خواهد بود لکن برای توضیح بیشتر ، برخی از عوامل ذلت را یاد آور می شویم .

نفاق و دوستی با کافران

خداوند متعال در قرآن مجید بیان می فرماید : که عزت تنها از آن خدا و پیامبرش و مومنین می باشد و لکن منافقین درک نمی کنند و در آیه دیگر به منافقین که کافران را دوست می دارند و در پی کسب عزت در پیش آنان هستند وعده عذاب می دهد .

بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما . الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المومنین ایبتغون عندهم العزه لله جمیعا (۶۶)

و مژده بده منافقین را به این که عذاب دردناك برایشان (مقرر) است . آنانکه مومنان را ترک گفته و کافران را دوست گرفتند ، آیا عزت را در پیش ایشان جستجو می کنند پس همانا تمام عزت برای خداست .

طلب عزت از غیر خدا

چنانکه از آیه شریفه معلوم شد تمام عزت برای خداست پس هر کس غیر از خداوند متعال طلب عزت نماید و به خاطر کسب

شرف و کرامت به سوی غیرخدا دست دراز کند ، ذلیل خواهد شد .

امیرالمؤ منین علیه السلام در این باره می فرماید :

من اعتز بغیر الله سبحانه ذل (۶۷)

هر کس به غیر خدا عزت یابد ، ذلیل شود .

و به همین مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است که :

من اعتز بالعبید اذله الله (۶۸)

هر کس به بندگان عزیز گردد خدای تعالی وی را ذلیل کند .

ترک جهاد

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

للجنه باب یقال له باب المجاهدین . . . قال : فمن ترک الجهاد البسه الله ذلا و فقرا فی معیشته و محقا فی دینه . (۶۹)

بهشت دری دارد که به آن باب مجاهدان گفته می شود . . . و فرمود : پس هر کس جهاد را ترک کند خداوند لباس مذلت را به اوی می پوشاند . . .

چنانکه جهاد تنها موجب عزت برای نسل جهادگر در هر عصر نیست ، بلکه موجب سرافرازی نسلهای آنیده نیز می باشد ، در مقابل ترک جهاد هم موجب ذلت و سرافکندگی برای نسل حاضر و آینده می شود . امیرالمؤ منین علیه السلام می فرماید :

فعاودوا الکر ، و استحیوا من الفر ، فانه عار فی الاعقاب ، و نار یوم الحساب (۷۰)

پس پشت سر هم حمله آورید و از فرار شرم کنید که موجب سرافکندگی و عار در نسلهای بعد

و نیز سبب آتش در روز حساب است .

سستی در جهاد و فرصت دادن به دشمن

باید به موقع و در اولین فرصت ممکن به جهاد اقدام کرد و فرصت را از دست دشمن خارج نمود و با ابتکار عمل و سرعت عمل و هوشیاری نظامی ، دشمن را سرکوب کرد . و گرنه اهمال در جهاد و فرصت دادن به دشمن ، موجب ذلت خواهد شد .

امیرالمؤ منین علیه السلام می فرماید :

. . . و قلت لکم اغزوهم قبل ان یغزوکم فوالله ما غزی قوم قط فی عقر دارهم الا ذلوا . . . (۷۱)

. . . و گفتم با آنان بستیزید پیش از آنکه بر شما حمله برند و به خدا سوگند با مردمی در آستانه خانه شان نجنگیدند جز که جامه خواری بر آن مردم پوشاندند .

اختلاف و تشتت

اختلاف و تشتت هر ملتی موجب ذلت ، هلاکت و اسارت آنان در بند دشمنان خواهد بود .

قرآن کریم می فرماید :

و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم (۷۲)

راه نزاع و اختلاف نپیمایید که سست شوید و شوکت و قدرت شما از بین برود .

در سخن معجزه آسای علی علیه السلام نیز درباره امتهای گذشته و موجبات ذلت ایشان چنین آمده است :

. . . پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید . چون میانشان جدایی افتاد و الفت به پراکندگی انجامید و سخنها و دلهاشان گونه گون گردید . از هم جدا شدند و به حزبها گراییدند و خدا لباس کرامت خود را از تنشان برون آورد و نعمت فراخ خویش از دستشان به دور کرد و داستان آنان میان شما ماند و آن را برای پند گیرند ،

عبرت گرداند . . . (۷۳)

زیر سلطه بودن

انسانی که خداوند او را آزاد آفریده اگر به اختیار خود ، طوق بندگی قلدران حاکم را به گردن افکند ، شرافت انسانی خود را نابود کرده است .

امیرمومنان علیه السلام می فرماید :

. . . و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا (۷۴)

. . . بنده دیگران مباش در حالی که خداوند ترا آزاد آفریده است .

و در بیانی دیگر می فرماید :

کل عزیز داخل تحت القدره فذلیل (۷۵)

هر ارجمندی که تحت سیطره قدرتی باشد ذلیل است .

تجمل پرستی

تجمل پرستی و تشریفات گرایی موجب نیازمندی و وابستگی است ؛ زیرا زندگی تشریفاتی حد و مرزی ندارد تا با رسیدن به آن نیاز مرتفع شود و از جهت همین نیاز ، وابستگی پیش می آید . وابستگی به افراد یا منابعی که این نیازمندی را بتوانند بر طرف کنند ، موجب ذلت و خواری برای انسان می شود؛ زیرا تامین کنندگان این گونه نیازها به شرط تامین منافع خود و بهره بری از شخص وابسته ، اقدام به این کار می کنند .

اصولا وابسته شدن به زندگی و تشریفات آن برای همه به ویژه نیروهای مسلح خطرناک است حتی اگر وابستگی به اشخاص زر اندوز و زورمند هم پیش نیاید ، نفس دل بستن به جلوه های رنگارنگ زندگی مادی و پیوسته دنبال تجملات بودن انسان را از رسیدن به اهداف عالی باز می دارد و باعث تحقیر شخصیت انسان و در نتیجه ذلت خواهد و اگر فرهنگ اسراف و تجمل پرستی بر نیروهای مسلح حاکم گردد و نظامیان به آنها خو کنند ، دیگر

انتظار شجاعت ، استواری مقاومت و دشمن ستیزی از چنین نیرویی بیهوده خواهد بود . چنانکه تجربه نشان داده است .

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

ای پیامبر بگو - امت را - اگر شما پدران ، فرزندان ، برادران ، زنان ، خویشاوندان و اموالی که جمع آورده اید و تجارتی که از کسادی آن بیمناکید و منازلی را که به آن دل خوش داشته اید ، بیش از خدا و رسولش و جهاد در راه او دوست می دارید ، پس منتظر باشید تا امر خدا برسد - و دنیا طلبان بدکار از کار خویش پشتیبان شوند - و خداوند بدکاران را - به راه بهشت و سعادت - هدایت نخواهد کرد . (۷۶)

اخلاق ناپسند

رفتارهای ناپسند و مذموم ، موجبات ذلت انسان را فراهم می کند .

امیرالمؤ منین علیه السلام می فرماید :

. . . و ایاکم و الاخلاق الدنیه فانها تضع الشریف و تهدم المجد (۷۷)

بر حذر باشید از اخلاق پست چرا که انسان بزرگوار را پست می کند و مجد و کرامت را نابود می سازد .

و از جمله اخلاق های زشت که انسان را به خواری دچار می کند تکبر و دروغگویی است .

علی علیه السلام می فرماید :

من تکبر علی الناس ذل (۷۸)

هر کس با مردم با تکبر برخورد کند ذلیل می شود .

امیرالمؤ منین علیه السلام می فرماید :

و ان الکاذب لمهان ذلیل (۷۹)

همانا دروغگو پست و خوار است .

بیائیم همه دوستداران و محبین ائمه علیه السلام در سالی که مقام معظم رهبری - به جهات

عدیـده و با تامل و لحاظ همه جهات و مسائل گوناگون داخلی و خارجی - سال عزت و افتخار حسـینی نام نهاده انـد با پیروی از تعالیم عزت بخش ائمه معصومین علیه السـلام و تاسی از رهنمودهای حکیمانه آن بزرگوار شاگردانی موفق برای این مکتب بوده و تجلی بخش عزت و افتخار حسینی در پرتو تعالیم مکتب نبوی صلی الله علیه و آله باشیم .

انشاء الله

پی نوشتها

۱- اسراء، آیه ۷۰.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام ، شهید مطهری ، ص ۱۴۷.

۳- میزان الحکمه ، محمدی ری شهری ، ج ۱، ص ۳۳۹.

۴- الحکم الزهراه ، علی رضا صابری یزدی ص ۲۳۳.

۵- میزان الحکمه ، ج ۳، ص ۴۴۱.

۶- همان .

۷- تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۱۲۶.

۸- همان ، ص ۱۲۵

۹- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، نامه ۵۳، ص ۳۲۹.

۱۰- میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۲۹۰-۲۹۴.

۱۱- تفسیر مجمع البیان ، ج ۴، ص ۴۰۲.

۱۲- غررالحکم ، ج ۱، ص ۲۷۹.

۱۳- کنز العمال ، ج ۱۵، ص ۷۸۵.

۱۴- شرح غرر الحکم ، ج ۶، ص ۳۹۳.

۱۵- المفردات ، ص ۵۳۰.

۱۶- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۸۵.

۱۷- نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۱.

۱۸- شرح غرر الحکم ، ج ۱، ص ۳۹.

۱۹- تحف العقول ، ص ۵۹.

۲۰- امالی الصدوق ، ص ۱۹۴.

۲۱- اقبال الاعمال ، ص ۶۸۵.

۲۲- اقبال الاعمال ، ص ۶۸۷.

۲۳- تحف العقول ، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۲۴- ربیع الابرار، ج ۳، ص ۴۳۲.

۲۵- فاطر، آیه ۱۰.

۲۶- منافقین ، آیه ۸.

۲۷- الحیاه ، محمد رضا حکیمی ، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲۸- نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه ۱۱۰.

۲۹- همان ، حکمت ۲۵۲.

۳۰- آثار الصادقین ، صادق احسانبخش

، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳۱- همان ، ص ۳۹۶.

۳۲- آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، ج ۲، ص ۳۹۷.

۳۳- میزان الحکمه ، ج ۳، ص ۱۲۵.

۳۴- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۳.

۳۵- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه ۱۹۸.

۳۶- میزان الحکمه ، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳۷- غررالحکم ، ج ۳، ص ۲۷۱.

۳۸- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه ۱۴۶.

۳۹- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، قسمتی از خطبه ۱۹۲.

۴۰- میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۴۱- لسان العرب ، ج ۱۴، ص ۱۶۶.

۴۲- الکافی ، ج ۲، ص ۱۴۴.

۴۳- تحف العقول ، ص ۳۶۸.

۴۴- الکافی ، ج ۲، ص ۱۰۸.

۴۵- امالی الطوسی ، ج ۱۱، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۴۶- الکافی ، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴۷- الکافی ، ج ۲، ص ۱۱۰.

۴۸- مثنوی معنوی ، دفتر سوم ، ج ۲، ص ۱۰۶

۴۹- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۲۸.

۵۰- غررالحکم ، ج ۱، ص ۸۲.

۵۱- شرح غررالحکم ، ج ۲، ص ۲۳.

۵۲- غررالحکم ، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵۳- شرح غررالحکم ، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵۴- همان ، ج ۳، ص ۳۳۳.

۵۵- تحف العقول ، ص ۲۳۳.

۵۶- شرح غررالحکم ، ج ۱، ص ۲۵.

۵۷- دیوان رباعیات اوحد الدین کرمانی ، ص ۱۶۶.

۵۸- تحف العقول ، ص ۲۳۳.

۵۹- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، حکمت ۱۱۳.

۶۰- همان ، خطبه ۱۹۲.

۶۱- میزان الحکمه ، ج ۳، ص ۱۶۴.

۶۲- همان ، ج ۸، ص ۲۸۲.

۶۳- تحف العقول ، ص ۲۸۷، ج موسسه الاعملی بیروت .

۶۴- میزان الحکمه ، ج ۵، ص ۲۸۵.

۶۵- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه ۸۶.

۶۶- نساء، آیات ۱۳۸ و ۱۳۹.

۶۷- الحکم الزاهره ، ص ۲۶۵.

۶۸- شرح

شهاب الاخبار، تصحیح محمد تقی دانش پژوه ، ص ۴۸.

۶۹- آثار الصادقین ، ج ۲، ص ۳۹۶.

۷۰- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه ۶۶.

۷۱- همان ، خطبه ۲۷.

۷۲- انفال ، آیه ۴۶.

۷۳- نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه ۱۹۲.

۷۴- میزان الحکمه ، ج ۳، ص ۴۴۱.

۷۵- همان ، ج ۶۶، ص ۲۸۶.

۷۶- توبه ، آیه ۲۴.

۷۷- میزان الحکمه ، ج ۳، ص ۱۴۶.

۷۸- میزان الحکمه ، ج ۸، ص ۳۱۶.

۷۹- همان ، ج ۵، ص ۲۸۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹